



یکسد[یکصد] و بیست سال پیش، در روز خور از ماه مهر سال ۳۶۲۰ بهدینی (چهارشنبه پنجم مهرماه ۱۲۶۱ خورشیدی برابر با ۲۷ سپتامبر ۱۸۸۲ ترسایبی)، سرانجام پس از ۱۲۴۵ سال، قانون ضدایرانی و ضدانسانی و اسلامی "جزیه" در ایران بطور رسمی لغو گردید؛ که نه تنها جامعه بهدنیان (زرتشتیان) ایران، بلکه همه اقلیت های دینی و مذهبی در ایران، لغو شدن آن را مرهون تلاش ها و کوشش های خستگی ناپذیر 'منکجی لیمجی هاتریا' می باشند.

منکجی لیمجی هاتریا، یکی از سرمایه دار بزرگ زرتشتیان هند (پارسیان) بود که با نفوذ در دولت وقت بریتانیا، طی فرمانی به ناصرالدین قاجار، دستور لغو قانون جزیه در ایران را صادر نموده بود. با لغو قانون ضدانسانی جزیه در ایران آنها پس از ۱۲۴۵ سال، نخستین و مهمترین گام برای شکستن یوغ ستم و زورگویی اسلامی از گردن اقلیت های دینی، بویژه جامعه زرتشتیان در ایران برداشته شد. [1]

جزیه، یک قانون تبعیض مذهبی و نژادپرستانه ای بود که نخست از سوی تازیان بر ایرانیانی که تن به خواری نداده و کیش آنان را نپذیرفته بودند تحمیل گشته بود. ولی پس از بیرون انداختن تازیان از ایران، ایرانیان تازه مسلمان شده، بویژه قشر روحانیون و حکام اسلامی، جای اشغالگران بیگانه را گرفته و جزیه را راه درآمدی، آنها بدو کار و کوشش برای خود یافته و به تبعیض، زور و ستمگری بر علیه هم میهنانشان که به دین نیاکانش پایبند مانده بودند را ادامه دادند.

هر چند که مقدار "جزیه" در سال نزدیک به نیمی از در آمد یک خانواده غیرمسلمان و دارایی های آنان را بر می گرفته است، ولی محدوده شرعی آن بر اساس قوانین اسلامی نامشخص و حد، مقدار و میزان پرداخت هر شخص نامسلمان ناروشن و بعهد حکام شرع یا قشر روضه خوانان گذاشته شده بوده تا بدخواه خود باجرا گذارند، که طبعاً آنان نیز تلاش خود را می کردند تا آنجایی که امکان سود دهی داشته باشد از این قانون بهره وری کنند - البته تا بدانجایی که نامسلمانان را وادار به مسلمان شدن نکرده تا مبادا راه در آمدشان قطع شود. نیز در صورت پایداری و خودداری در پرداخت جزیه، دارایی ها آنان مصادره و همه افراد خانواده محکوم به مرگ می شدند. از سوی دیگر، بخاطر آنکه اکثریت ایرانیان غیر مسلمان، بویژه زرتشتیان زمیندار و کشاورز بودند و در سال هایی که کشور با خشکسالی روبرو می شد، آنان در پرداخت جزیه با مشکل روبرو شده و در نتیجه برخی از آنان که نه پس اندازی و نه بستگان و آشنایان توانگری داشتند تا دستگیرشان شده به آنان یاری رسانند، برای فرار از کشته شدن، وادار می شدند تا تن به خواری داده و مسلمان گردند.

باری، با آنکه قانون جزیه در این رسماً لغو شده بود ولی تبعیضات، زور و ستم بر جامعه زرتشتیان و اقلیت های مذهبی در ایران تا پایان رژیم قاجاریه ادامه داشت، از جمله ممنوعیت در سوار شدن بر اسب، نوشیدن از آب روان، دست زدن به میوه جات و خوردنی ها در بازارها و غیره. [2] با ظهور رضاشاه بزرگ و سرنگون سازی رژیم مغول تبار، [3] ایرانستیز و ایرانفروش، [4] قاجاریه، او فرمان داد تا به همه تبعیضات، زورگویی ها و ستمگری ها بر علیه اقلیت های مذهبی در ایران، بویژه زرتشتیان پایان داده شود و برای نخستین بار از زمان اشغال ایران توسط تازیان در سده ۷ ترسایی، زرتشتیان و دیگر غیرمسلمانان توانستند در همه امور سیاسی، لشکری و اقتصادی کشور شرکت جویند. ولی شوربختانه در سال ۲۵۳۷ و طی

توطئه و انقلابی مهندسی شده توسط غربیان، نظام شاهنشاهی سرنگون و بقدر رساندن رژیم کنونی روضه خوانان که در حقیقت آن را بایستی رژیم نوقاجاری خواند، با آنکه قانون جزیه بگونه ای رسمی زنده نشده است، ولی پنهانی و غیرمستقیم یکی از سیاست های زیربنایی رژیم می باشد.

در پایان جای دارد تا به مساله ای در پیوند با 'جزیه' و 'رژیم روضه خوانان' اشاره و روشنگری شود.

در چند سال گذشته رژیم نوقاجاری روضه خوانان با به حرکت در آوردن مهره های باصطلاح فرهنگی خود (خواننده شود: ضدفرهنگ و فرهنگ نابودگران)، همچون توده ای ها، تلاش نموده است تا بدروغ "جزیه" را همانند "حجاب" به ایران باستان پیوند دهد، تا از این راه با سواستفاده از احساسات ملی گرایانه نوجوانان و جوانان ایرانی، این دو دروغ را در جامعه نهادینه سازد.

مزدوران و مهره های دست نشانده رژیم، به دروغ مدعی می شوند که واژه "جزیه" از "گزیه" و "گزیت" پهلوی ریشه گرفته شده است. این در حالیست که واژه "گزیه" و "گزیت" واژه های "من در آوری" بوده و در زبان پهلوی وجود ندارند. در هر روی، واژه "جزیه" یک واژه "تازی، بمعنای "مالیات بر سر"، از ریشه "جَزَى"، به معنی راضی ساختن، حل و فصل کردن است.

بهر رو، این روز نیک انسانی را به همه "همدینان و همه" میهنان پیرو کیش های ترسا و یهود خویش خجسته و شاد باش می گویم و امیدوارم با واژگونسازی رژیم نوقاجاری روضه خوانان از اریکه قدرت، نه تنها به حاکمیت خون، خشونت، غوغاسالاری، اراذل و اوباشگری و استبداد پایان شود، بلکه کل فرهنگ و قوانین تبعیض گرایانه، زورگویانه و ستمگرایانه تازیان در ایران برای همیشه ریشه کن شده و باری دیگر ایرانمان همچون زمان شاهنشاهی پهلوی، بجای وابستگی های دینی، فرقه ای، جنسی و عقیدتی، بر اساس برابری و شایسته سالاری اداره گردد.

اهورامزدا همواره پاسدار و نگهبان ایرانزمین و ایرانیان راستین باد.

شاپور سورنپهلو

۵ مهرماه ۱۳۸۱

بازنویسی شد:

۵ مهرماه ۱۳۸۴

پی نوشته ها

---

1 - Writer, R., "The Life and Times of Manekji Limji Hataria: The Fight for Zoroastrian Civil Rights in Iran", CAIS Online:  
[https://www.cais-soas.com/CAIS/Religions/iranian/Zarathushtrian/manekji\\_limji.htm](https://www.cais-soas.com/CAIS/Religions/iranian/Zarathushtrian/manekji_limji.htm)

2 - Hartz, P. R., "Zoroastrianism (World Religions)", (2004), p. 53

3 - براساس دانش مردمشناسی، قاجارها متعلق به گروه غز/ازغوز بوده و در کنار ۸ قبیله دیگر از جمله مغول ها، در گروه "مونگولوید" یا "مغول نژاد" دسته بندی می شوند. سلسه قاجار که آغامحمد بنیانگذار آن بود، از اعضای قراغوز (چشم سیاه) ایل قاجار (کلاه سیاه) بوده و با افتخار ورزیدن به مغول بودن خود، مدعی می شدند که رئیس قبیله آنان "قاجارنو ان" نام داشته و از سرداران چنگیزخان مغول بوده است. بر اساس تاریخ ارائه شده از سوی سلسه قاجاریه، کل قاجارها با لشکر هلاکوخان مغول در ۶۵۶ هجری به ایران آمده و تا ۷۳۹ و انقراض سلسله ایلخانان، از کنار ج چون تا دشت مغان به شیوه چادر نشینی و بیابانگردی زندگی می کردند. پس از سرنگونی قاجارها و نفرت ایرانیان از جنایاتی که مغول ها در ایران مرتکب شده بودند، قاجارها از هراس جان وادار به ترک ایران و به شامات (سوریه کنونی) مهاجرت کردند تا آنکه تیمور گورکانی در ۸۰۳ و جهانگشایی اش، سوریه را تسخیر و قاجارها را در آنجا یافت. تیمور که خود یک مغول زاده و خویشاوند قاجارها بود، آنان را جزو لشکریان خود در آورد و به ایران بازگرداند و در منطقه اران (جمهوری آذربایجان فعلی امروزی) اسکان داد. تا به امروز و حتی آمیزش چند صدساله با ایرانیان، بجز کوه قامت و سیه چردگی نیز آثار مغولیت در سیمای بازماندگان قاجارها قابل مشاهده است.

4 - چندین سال پیش، این نگارنده سال ها پیشنهاد شده بود تا واژه "ایرانفروش" (ایران+فروش)، بجای واژه "خائن" و "مزدور" بکار برده شود. واژه های "خائن"، "مزدور خارجی" و حتی "وطنفروش" معنای گسترده ای دارند، ولی واژه ی "ایرانفروش" (یا "ایرانفروشی") معانی خاصی داشته و ویژه مزدورانی می باشد که در قبال دریافت پول و مواجب، به کشور خود خیانت کرده و ایران را به فروش می رسانند، تا آن کسی که از روی طمع قدرت یا فریب خوردن از دشمن به کشور و ملت ایران خیانت می کند! - <https://bit.ly/2RVfPuh>

□

آخرین به روز رسانی (سه شنبه ۵ مهرماه ۱۳۸۴ ساعت ۱۱:۱۲)